

# نامه‌ای زندگی‌ساز، از پدری

## نمونه، به فرزندى در حال رشد

(۴)

### بهترین واعظها و برترین موعظه‌ها

از: استاد زین‌العابدین قربانی

که می‌خواهد وارد گلهٔ گاوها شود با آهستگی راه می‌رود، تا مبادا به جنین ضربه‌ای وارد شود. در حالیکه بیشتر گاوها که جنین در شکم ندارند بدون توجه و اهتمام وارد طویله می‌شوند.

و این توجه و رعایت از جانب حیوان چیزی جز احساس مادری نیست.

هنگامیکه گاو زایمان می‌کند با عطف و مهریانی خاصی بدن نوزاد خود را می‌لیسد، این عمل ناشی از غریزه‌ای خدادای و طبیعی است که این حیوان ناخودآگاه و بدون اندیشه به آن دست می‌زند و همیشه سعی دارد که اطراف پستان خود را تمیز نگاهدارد تا گوساله‌اش بدور از هر گونه آلودگی شیر بنوشد.

اگر چه تعداد کمی از حیوانات، نوزادان خود را بعد از تولد مورد عنایت و سرپرستی قرار نمی‌دهند ولی تعداد بیشماری از حیوانات دیگر هستند، که فرزندان خود را مورد لطف و عنایت و افری قرار می‌دهند. بعنوان مثال زنبور عسل را می‌توان نام برد که نهایت تلاش و سعی خود را در تربیت نوزادان خود بخرج میدهد، این رعایت و توجه، بویژه، در تربیت نوزادان ملکه کاملاً مشهود است.

و یا سگ ماهی نر آنقدر از نوزادش پرستاری می‌کند تا طولش به ۱۰ سانتی‌متر، می‌رسد و یاد پرندگان ملاحظه میشود، نوزادانی که قدرت حرکت دارند و چشمشان کاملاً باز است بندرت مورد توجه بزرگتران خود، هستند ولی در نوزادانی که از تخم خارج می‌شوند و چشمهایشان نیمه باز است تا زمانیکه کاملاً بزرگ نشده و اعتماد به نفس پیدا نکرده، به پدر و مادرشان تکیه دارند. اما در پستانداران این رعایت و نظارت بیشتر است که از دوران جنینی تا زمان تولد و حتی تا هنگام بلوغ ادامه دارد.

#### أَخِي قَلْبِكَ بِالْمَوْعِظَةِ - قلبت را با موعظه ۱ - قرآن

هیچکس بهتر از آفریدگار انسان که به ریزه‌کاربهای وجودی و ابعاد روحیش آگاه است نمی‌تواند او را بند و اندرز دهد: «إِنَّ اللَّهَ نِعْمًا بِعِبَتِكُمْ يَه»<sup>۲</sup>.

قرآن مجید که گفتار خداست در ده‌ها مورد از موعظه بودن خود سخن می‌گوید و بخش وسیعی از آن را مواعظش تشکیل می‌دهد و بدینجهت است که پیامبر اکرم، قرآن را راستترین گفتار و رساترین موعظه‌ها و بهترین قصه‌ها می‌داند: «وَأَصْدَقُ الْقَوْلُ وَأَبْلَغُ الْمَوْعِظَةِ وَأَحْسَنُ الْقِصَصِ كِتَابُ اللَّهِ»<sup>۳</sup>.

و علی علیه‌السلام نیز تأکید می‌کند که: «خداوند هیچکس را به مانند این قرآن موعظه نفرموده است»<sup>۴</sup>.

#### ۲ - مرگ و مطالعه در سرنوشت گذشتگان

از وعظ خدا و قرآن که بگذریم، مرگ و مطالعه در سرنوشت گذشتگان و حوادثی که بر سر آنان آمده و بالاخره همه چیز را گذاشته و رفتند، واعظ خوبی است چنانکه پیامبر اکرم فرموده است: «كُنْفِي بِالْمَوْتِ وَاعْظًا - تنها

زنده کن گرچه انسان عاقل و آگاه از هر چیزی پند لازم را می‌گیرد و در هر چیزی برایش موعظه و عبرتی است چنانکه علی علیه‌السلام فرمود:

«در هر چیزی برای افراد خردمند و عبرت گیر، موعظه و عبرتی است» و همانگونه که از ابوسعید ابوالخیر نقل شده که: از محله‌ای می‌گذشت که کناسان در آن مشغول پاک کردن چاه مستراحی بودند، همراهان وی وقتی که بدانجا رسیدند بینی خویش بگرفتند و گریختند، وی آنان را مخاطب ساخت و گفت:

این نجاست با زبان حال با شما سخنی دارد و می‌گوید: ما آن طعام‌های لذیذ و خوشبوئیم که برای نیل به ما سر و دست می‌شکستید، تنها یک شبانه‌روز با شما ماندیم، این شدیم، چرا از ما گریزانید، ما رنگ و بوی درون شمائیم؟! چون شیخ این سخن بگفت، فریاد از جمع برآمد و بسیار بگریستند و حالتها رفت.<sup>۵</sup>

ولی بعضی واعظها و برخی موعظه‌ها تأثیر آشکارتر و دلرباتر دارند که در میانه بهترین واعظها می‌توان از امور زیر یاد کرد:

مرگ برای وعظ آدمی کافی است»<sup>۶</sup>

علی علیه السلام نیز در این باره چنین تأکید می‌کند: «شما را توصیه می‌کنم که همواره به یاد مرگ باشید و غفلت از آن را کم کنید و چگونه از آن غافل می‌مانید در صورتیکه او از شما غفلت نمی‌کند و چگونه به کسی (ملک الموت) طمع می‌ورزید که به شما مهلت نخواهد داد؟! پس آن مردگانی که با چشم خود دیده‌اید برای عبرت و اندرز شما کافی است، آنها را به گورستان حمل کردند اما نه آنکه خود بر مرکبی سوار شده باشند و آنان را در میان قبر قرار دادند اما بدون آنکه خود بتوانند در آن فرود آیند (آن قدر طول نکشید که) گویا آنان از مردم این گیتی نبودند و عمری در آن نگذراندند (اما از آن طرف) گویا سرای آخرت همواره خانه آنها بوده آنها از آنجا که وطنشان بود (دنیا) وحشت نمودند و آنجا را که از آن وحشت داشتند وطن همیشگی انتخاب کردند، به چیزهایی خود را مشغول ساختند که بالاخره از آنها جدا شدند اما آنچه را می‌بایست سرانجام به آن برسند ضایع ساختند، نه قدرت دارند از اعمال قبیحی که انجام داده‌اند برکنار شوند و نه می‌توانند کار نیکی بر نیکی‌های خود بیافزایند.

به دنیا انس گرفته بودند ولی مغرورشان ساخت و به آن اطمینان نموده بودند اما مغلوبشان نمود، خدای شما را رحمت کند، بسوی منازلی که مأمورید آنها را آباد کنید و به آنها ترغیب و دعوت شده‌اید، بشتابید و با صبر و استقامت بر اطاعت فرمان خداوند نعمتهای او را بر خویش تمام گردانید و از معصیت و نافرمانی او کناره‌گیری کنید زیرا فردا به امروز نزدیک است چه ساعات، در روز به سرعت می‌روند؟ و چه روزها از ماه به سرعت می‌گذرند؟ و چه ماهها در سال و سالها در عمر با شتاب سپری می‌شوند؟»<sup>۷</sup>

و در جای دیگر در همین رابطه اینگونه تأکید می‌فرماید: «برای شما در تاریخ قرون

گذشته درسهای عبرت فراوانی وجود دارد: کجایند عمالقه؟ و کجایند فرزندان آنها؟ کجا هستند فرعونها و فرزندانشان؟ اصحاب شهرهای «رَس» همانها که پیامبران را کشتند و چراغ پر فروغ سنن آنها را خاموش و راه و رسم ستمگران و جباران را زنده ساختند کجایند؟ کجایند آنها که بالشرکهای گران به راه افتادند و هزاران نفر را هزیمت دادند، سپاهیان فراوان گرد آوردند و شهرها بسنا کردند؟

ای بندگان خدا شما را به تقوی و پرهیزگاری در برابر خدا سفارش می‌کنم، همان خدائی که لباسهای فاخر را به شما پوشانده و معاش و روزی را به فراوانی به شما ارزانی داشته است. اگر راهی بسوی بقاء یا جلوگیری از مرگ وجود داشت حتماً سلیمان بن داوود آن را در اختیار می‌گرفت چرا که خداوند حکومت بر جن و انس را همراه نبوت و مقام بلند قرب و منزلت الهی به او اعطا کرد اما آنگاه که پیمانۀ روزی او پر شد و مدت زندگی کامل گشت تیرهای مرگ از کمان فنا به سوی او پرتاب شد و دار و دیار از او خالی گردید، خانه‌ها و مسکنهای او بی صاحب ماند و آنها را گروهی دیگر به ارث بردند»<sup>۸</sup>

### ۳ - روزگار و انسانی و مطالعات فزنی

گرم و سرد روزگار که گاهی قومی را عزت و زمانی ملتی را خوار دارد، می‌تواند برای کسانی که ناظر بر صحنه‌اند و به چشم عبرت بر حوادث آن می‌نگرند موعظه خوبی باشد که موسی ابن جعفر علیه السلام ضمن وصایاییکه به شاگرد باهوشش هشام می‌کند در این رابطه چنین تأکید می‌کند: «موعظاته را از روزگار و اهلش بگیر»<sup>۹</sup> و شاید یکی از عواملی که قرآن مجید به «روزگار» سوگند می‌خورد «والعصر» همین خاصیت پندآموزی آن باشد.<sup>۱۰</sup>

علی علیه السلام نیز ضمن بیانی به خاصیت پندآموزی روزگار و اینکه او بهترین ناصح و

پندآموز است چنین تأکید می‌کند: دنیا بهترین نصایح را به شما می‌کند در صورتیکه تو از دگرگونی حالات آن و جدائیها و دوریهائی که به وجود می‌آورد حالت پندآموزی داشته باشی.<sup>۱۱</sup> ولی چیزی که مایۀ تأسف است این است که عوامل عبرت زیاد است اما عبرت گیر کم است.

نقل کرده‌اند: هنگامی که علی علیه السلام از مدائن می‌گذشت چشمش به کاخ نوشیروان که در حال خراب شدن بود افتاد، یکی از همراهانش این شعر را خواند:

جرت الریاح علی رسوم دیارهم  
فکانهم کانوا علی میعاد  
حضرت به او فرمود: چرا آیات ۲۵ - ۲۹ از سوره دخان را نمی‌خوانی که فرمود: کَمُ تَرَکُوا مِنْ جَنَاتٍ وَعُیُونٍ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ کَرِیمٍ وَنِعْمَةٍ کَانُوا فِیْهَا فَاکِیْمِینَ کَذَلِکَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِینَ فَمَا بَکَتْ عَلَیْهِمُ السَّمَاءُ وَلَا رِضٌ وَمَا کَانُوا مُنظَرِینَ - چه بسیار باغها و چشمه‌ها که از خود بجای گذاشتند و زراعتها و قصرهای جالب و گران قیمت و نعمت‌های فراوان دیگر که از آن متعمم بودند.

این چنین بود ماجرای آنها و ما اینها را میراث برای اقوام دیگری قرار دادیم، نه آسمان بر آنها گریست و نه زمین و نه به آنها سهلتی داده شد!!»<sup>۱۲</sup>

### ۴ - تجارب

همانگونه که یکی از راههای مورد اطمینان علم‌آموزی تجربه<sup>۱۳</sup> و بهره‌مندی از دست‌آوردهای دیگران است چنانکه علی علیه السلام در همین نامه به فرزندش دستور می‌دهد: «با تصمیم جدی به استقبال اموری بشتاب که اندیشمندان و اهل تجربه زحمت آزمون آن را کشیده‌اند و تو را از تلاش بیشتر بی‌نظم ساخته‌اند»<sup>۱۴</sup>

در آداب و اخلاقی و روش عملی نیز تجربه بهترین یار و عامل انتخاب راه صحیح و دوری

از راه ناپسند و مایه تجربه آموزی است همانگونه که آن حضرت تأکید می کند: کفی بالتَّجَارِبِ مَوْدِبًا - تجربه ها بهترین عامل ادب آموزی است.

کفی موعظة لذوی الآلباب مُسَاجِرَبُوا - برای خردمندان تجربه بهترین عامل پندآموزی است.

فی كُلِّ تَجْرِبَةٍ مَوْعِظَةٌ - در هر تجربه ای پندی است.

خَيْرُ مَا جَرَّبْتَ مَا وَعَظَكَ - تجربه ها بهترین مایه پندآموزت بشمار می آیند.

أَلْعَاقِلُ مَنْ وَعَظْتَهُ التَّجَارِبُ - خردمند کسی است که تجاربش او را پند دهد.<sup>۱۵</sup>

روی همین جهت است که پیامبر اکرم فرموده است: «مؤمن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی شود.»<sup>۱۶</sup>

### برترین موعظه ها

از آنجا که در میان مواعظ کتاب و سنت و کلمات انبیاء و حکما، برترین موعظه ها فراوان است<sup>۱۷</sup> و در ضمن یک مقاله بیان بکهرارم آنها هم مقدور نیست از اینرو به مقتضای:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم بقدر تشنگی باید چشید

تنها به پانزده موعظه که جزء برترینها است اکتفاء می کنم که یکی از کتاب خدا است و چهارده تای دیگر از معصومین چهارده گانه علیهم السلام:

۱ - قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُم بِوَالِدِي وَأَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَوَالِدِي - بگو: تنها شما را به یک چیز اندرز می دهم و آن اینکه دو نفر دو نفر، یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید (سبا - ۴۶).

چنانکه ملاحظه می فرمائید: خداوند در این آیه مردم را تنها به یک چیز موعظه می کند و آن اینکه: تنها برای خدا قیام کنید نه دواعی دیگر و اینگونه قیام است که بالاخره «میوه شیرین دهد پر منفعت».

امام خمینی رضوان الله علیه در ۴۵ سال قبل، هنگامیکه نویسنده مزدوری قلم به دست گرفته مقدسات اسلامی را هتک و به اسلام و قرآن و تشیع اهانت کرد، نامه ای مرقوم فرمود که اکنون در کتابخانه وزیری یزد موجود است و در آن در مورد اهمیت این موعظه (قیام برای خدا) چنین آمده است: «خدای تعالی در این کلام شریف از سر منزل تاریک طبیعت تا منتهای سیر انسانیت را بیان کرده است و بهترین موعظه هائی است که خدای عالم از میانه تمام مواعظ انتخاب فرموده و این یک کلمه را پیشنهاد بشر فرموده است. این کلمه تنها راه اصلاح در جهان است: قیام برای خدا است که ابراهیم خلیل الرحمن را به منزلگه خَلَّتْ رَسَانِدَهُ و از جلوه های گوناگون عالم طبیعت رهانده.

خلیل آسا در علم یقین زن ندای لا اَحَبَّ الْاَفْلَینِ زن قیام لله است که موسی کلیم را با یک عصا به فرعونیان چیره کرد، تاج و تخت آنها را به باد فنا داد و نیز او را به میقات محبوب رساند.

قیام برای خدا است که خاتم النبیین (صلی الله علیه وآله) را یک تنه بر تمام عادت و عقاید جاهلیت غلبه داد و بتها را از خانه خدا برانداخت و به جای آن توحید و تقوی را گذاشت و نیز آن ذات مقدس را به مقام «قاب قوسین او ادنی»<sup>۱۸</sup> رساند.

همین موعظه واحده است که عرفاء آن را نخستین مقدمه «منازل السائرین» بحساب آورده و بر عارف پیش از همه چیز رعایت آن را واجب می دانند.<sup>۱۹</sup>

۲ - قیس بن عاصم می گوید: با جمعی از قبیله بنی تمیم خدمت رسول خدا رسیدم و عرض کردم: ای پیامبر خدا نظر به اینکه ما همیشه خدمت شما نیستیم و در بادیه زندگی می کنیم، به ما موعظه ای بفرما که همواره بتوانیم آویزه گوش خود قرار داده و از آن

بهره مند گردیم.

رسول خدا در مقابل درخواست من چنین فرمود: ای قیس، بطور قطع با هر عزتی ذاتی و با هر حیاتی مرگی و بادنی آخرتی است و برای هر چیزی حسابرس و رقیبی است و برای هر کار نیک پاداشی و برای هر بدی کیفری و برای هر مدتی پایانی است. ای قیس، ناگزیر برای تو همراهی است که با تو دفن می شود در حالیکه او زنده است و تو مرده ای، اگر او کریم باشد تو را گرامی می دارد و اگر لئیم باشد تو را تسلیم خواهد کرد و بالاخره جز با تو محشور و برانگیخته نخواهد شد و تنها از همان، مورد سؤال قرار خواهی گرفت از اینرو قرار نده او را مگر شایسته زیرا اگر او صالح باشد با او مأنوس و اگر فاسد باشد جز از او در هراس نخواهی بود و آن عمل تو است.<sup>۲۰</sup>

### ۳ - زهرا سلام الله علیها ضمن خطبه ای

که بعد از رحلت رسول خدا در مسجد در برابر مهاجرین و انصار ایراد فرمود، در بیان فلسفه احکام و رعایت تقوی و اطاعت از خدا و پیغمبر چنین موعظه فرمود: خدای تعالی ایمان را برای تطهیر شما از شرک قرار داد و نماز را برای پاک کردن شما از تکبر و زکات را برای پاک کردن جان و روزافزونی رزقتان و روزه را برای تثبیت اخلاص و حج را برای استحکام بخشیدن کاخ دین و عدل را برای تنظیم قلبها و اطاعت ما را برای یافتن ملت و امامت را برای در امان ماندن از تفرقه و جهاد را برای عزت اسلام و صبر را برای کمک در استحقاق فرد و امر بمعروف را برای مصلحت عامه و نیکی کردن به پدر و مادر را سنگر و سپر حفظ از خشم الهی و صلوة ارحام را وسیله از دیاد عمر و قصاص را وسیله حفظ خونها و وفاء به نذر را برای در معرض مغفرت قرار گرفتن و کیل و وزنها را به اندازه بخشیدن برای جلوگیری از کم فروشی و نهمی از شرابخواری را برای پاکیزگی از پلیدی، و

دوری گزیدن از تهمت زدن را برای محفوظ ماندن از لعنت و دوری از رحمت الهی و ترک سرقت را برای الزام به پاکدامنی و شرک را حرام فرمود برای اخلاص و یکسره تن در دادن به ربوبیت او.

پس از خدا آنگونه که شایسته است بترسید و از دنیا نروید مگر آنکه مسلمان باشید و خدا را در آنچه که به آن امر کرده و آنچه که از آن بازتان داشته است اطاعت کنید، همانا که فقط دانایان از خدا می ترسند.<sup>۲۱</sup>

#### ۴ - علی علیه السلام می فرماید: شما را

به پنج چیز سفارش می کنم که اگر برای تحصیل آن شتران راهوار را سوار شوید و در اطراف جهان گردش کنید، سزاوار است (کنایه از این است که: هرچقدر زحمت برای بدست آوردن آنها بکشید و لو با سفرهای طولانی و تحمل رنج سفر، جا دارد):

جز به خدا امید نداشته باشید، جز از گناهانتان نترسید هنگامیکه از چیزی که نمی دانید، سؤال شدید، از گفتن اینکه نمی دانید، شرم نداشته باشید و اگر چیزی را نمی دانید، از فراگیری آن خجالت نکشید.

صبر و استقامت را در هر کار پیشه کنید که صبر نسبت به ایمان همچون سر در مقابل بدن است: تن بی سر فائده ندارد و ایمان بی صبر نیز بی نتیجه است.<sup>۲۲</sup>

#### ۵ - امام حسن مجتبیٰ علیه السلام ضمن

مواعظی فرمود: ای فرزند آدم از محرمات الهی عفت پیشه ساز تا بنده او شوی، و به داده خدا راضی باش تا بی نیاز گردی، و نسبت به همسایهات نیک رفتار باش تا مسلمان باشی، آنگونه که دوست داری مردم با تو همنشین کنند با آنان همنشین باش تا در زمرة دادگران بشمار آئی، در میان شما مردمی بودند که مال فراوان جمع و ساختمانهای محکمی بنا کرده و

آرزوهای دور و دراز داشتند که همه آنها هلاک و اعمالشان غریب و مساکنشان قبور گردید. ای فرزند آدم از آن زمان که از مادر متولد شدی همواره در نابودی عمرت تلاش داری پس از آنچه که در اختیار داری برای آینده ات ذخیره نما چرا که مؤمن زاد و توشه فراهم می کند و کافر به لذات زودگذر سرگرم می شود.

و آنگاه این آیه را قرائت فرمود: وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى - زاد و توشه برگزیده که بهترین توشه تقوی و پرهیزگاری است<sup>۲۳</sup> (بقره ۱۹۴)

۶ - مردی خدمت امام حسین علیه السلام رسید و عرض کرد: من مرد گناهکاری هستم و قدرت به ترک گناه ندارم مرا موعظه ای کن.

امام حسین علیه السلام فرمود: پنج کار انجام بده آنگاه هر چه گناه خواستی بکن!! اول - روزی خدا را نخور آنگاه هر چه خواستی گناه کن.

دوم - از ولایت و سرپرستی خدا بیرون رو آنگاه هر چه خواستی گناه کن.

سوم - جایی برای گناه انتخاب کن که خدا ترا نبیند آنگاه هر چه خواستی گناه کن.

چهارم - هنگامیکه ملک الموت برای قبض روح آمد او را از خود دور کن آنگاه هر چه خواستی گناه کن.

پنجم - هنگامیکه مالک (فرشته مسؤل جهنم) خواست تو را در آتش بیاندازد داخل جهنم نشو آنگاه هر چه خواستی گناه کن.<sup>۲۴</sup>

البته این روایت از پیامبر بزرگوار اسلام و امام حسن مجتبی و امام زین العابدین علیهما السلام نیز نقل شده است.

#### ۷ - مردی پیش علی بن الحسین

علیه السلام آمد و از گرفتاریش نزد او شکوه کرد، حضرت به او فرمود: بیچاره است فرزند آدم که برای او هر روز سه مصیبت است ولی

از هیچکدام آنها عبرت نمی گیرد که اگر از آنها عبرت می گرفت مصائب و گرفتاریهای دنیا برایش آسان می شد:

مصیبت اول اینست که هر روز عمرش کم می شود و اگر در مالش نقصانی پدید می آمد اندوهگین می شد در صورتیکه مال دنیا جایگزین دارد ولی هیچ چیز جایگزین عمر نمی شود و آترا بر نمی گرداند.

مصیبت دوم اینست که او از روزیش بهره کامل می گیرد در صورتیکه اگر حلال باشد نسبت به آن حساب خواهد شد و اگر حرام باشد عقاب.

مصیبت سوم که از آنها بزرگتر است اینست که هیچ روزی را شب نمی کند مگر آنکه یک مرحله به آخرت نزدیک می شود ولی نمی داند به سوی بهشت می رود یا جهنم!<sup>۲۵</sup>

#### ۸ - جابر بن یزید جعفی می گوید: هیچده

سال در خدمت امام باقر علیه السلام بردم و هنگامیکه خواستم از محضرش مرخص شوم عرض کردم: به من موعظه ای فرما حضرت فرمود: بعد از هیچده سال جابر؟ گفتم: شما دریای بیکرانی هستید که کسی نمی تواند به عمقش راه یابد. فرمود: ای جابر به شیعیانم از طرف سلام برسان و بگو: میان ما و خدا قرابتی نیست و کسی به او نزدیک نمی شود جز از راه اطاعت و بندگی او، ای جابر هر کس خدا را اطاعت کند و ما را دوست داشته باشد دوست ماست و هر کس معصیت خدا کند دوستی ما برایش نفعی نخواهد داشت. ای جابر، دنیا را همانند منزلی فرض کن که چند روزی در آن توقف کرده آنگاه از آنجا کوچ خواهی کرد. آیا دنیا جز به مانند مرکوبی است که در خواب سوار آن شده ای وقتی که بیدار گشتی خود را در رختخوابت می بینی و مرکوبی در کار نبوده است و آدم عاقل به چنین چیزی اعتنا نخواهد داشت و یا همانند جامه ای است که پوشیده ای و یا جاریه ای است که با آن همبستر شده ای؟!

ای جابر، دنیا پیش افراد خردمند همانند سایه است.<sup>۲۶</sup>

کلمه «لا اله الا الله» مایه عزت گوینده و دعوت کننده آنست، نمازخانه اخلاص و مایه دوری از کبر است، زکات مایه زبیدی روزی است، روزه و حج مایه آرامش دل است، قصاص و حدود مایه حفظ خونها است و دوستی ما اهل بیت مایه نظام دین است، خداوند ما و شما را از کسانسی قرار دهد که پروردگارشان را در پنهانی می ترسند و از قیامت هراسی دارند.<sup>۲۷</sup>

۹ - سفیان ثوری می گوید: بر امام جعفر صادق علیه السلام وارد شدم و به او گفتم: به من وصیتی کن که بعد از تو به یادگار داشته باشم. امام فرمود: آنرا به یادگار خواهی داشت ای سفیان؟ گفتم: بلی ای پسر دختر رسول خدا (ص). فرمود: ای سفیان، آدم دروغگو مروت ندارد، دروغگو آسایش ندارد؛ برای پادشاهان برادری نیست، برای متکبر دوستی نیست، و برای آدم بدخلق بزرگواری نیست.

آنگاه امام علیه السلام مکث فرمود، گفتم: ای پسر دختر رسول خدا (ص) ادامه بده، فرمود: ای سفیان، به خدا اعتماد داشته باش تا عارف باشی، به آنچه که خدا برایت مقرر فرموده راضی باش تا بی نیاز باشی، آنگونه که دیگران با تو همنشینی دارند همنشین باش تا ایمانت زیاد گردد، با افراد بد همنشین نباش که از بدبهای خود به تو خواهند آموخت، و در کارهایت با کسانی که خدا ترسند مشورت کن. سپس از گفتار باز ایستاد، عرض کردم: ادامه بده ای پسر دختر رسول خدا (ص)، فرمود: ای سفیان، کسیکه عزت بدون قدرت و زیادی بدون برادران و هیبت بدون مال می خواهد باید از ذلت معصیت الهی به عزت طاعت پناه برد.

باز هم حضرت از گفتار باز ایستاد، عرض کردم بیشتر بفرما ای پسر دختر رسول خدا (ص)، فرمود: ای سفیان، پدرم مرا به سه چیز

ادب کرد و از سه چیز باز داشت: اما آن سه چیز بکه مرا به آن ادب فرمود اینگونه به من دستور داد: پسر، کسی که با افراد بد همنشینی کند، سالم نخواهد ماند، و کسیکه در گفتارش مقید نباشد پشیمان خواهد شد، و کسی که به مراکز بد رفت و آمد داشته باشد، مورد اتهام قرار خواهد گرفت.

گفتم: ای فرزند دختر رسول خدا (ص) آن سه چیزی که شما را از آنها نهی فرمود کدامست؟

فرمود: مرا نهی فرمود که با حسد برنده نعمت و شماعت کننده در مصیبت و سخن چین مصاحبت نداشته باشم.<sup>۲۸</sup>

۱۰ - امام هفتم فرمود: تلاش کنید که زمان شما چهار ساعت باشد (اوقات شبانه روز شما به چهار قسمت تقسیم گردد): ساعتی برای مناجات با خدا، ساعتی برای امر زندگانی و معاش، و یک ساعت هم برای آمیزش با برادران و افراد مورد اعتمادیکه عیوب شما را به شما معرفی می کنند و از دل به شما اخلاص دارند، و یک ساعت هم خلوت کنید برای درک لذتهای حلال و بوسیله این ساعت برانجام وظایف آن سه ساعت دیگر توانا می شوید.

به خود فقر و طول عمر تلقین نکنید زیرا هر کس به خود تلقین فقر کند بخیل می شود و هر کس طول عمر در نظر گیرد حریص می شود برای خود بهره ای از دنیا بگیرد و آنچه خواهش حلال باشد و به مردانگی لطمه نزند و اسراف نباشد، برای شما مباح است و به این وسیله برای انجام امور دین یاری جوئید زیرا روایت است که: از ما نیست کسی که دنیایش را برای دینش و انهد یا دینش را برای دنیا از دست بدهد.<sup>۲۹</sup>

۱۱ - امام رضا علیه السلام فرمود: هفت چیز بدون هفت چیز مایه استهزاء است:

اول - کسی که بازبانش استغفار کند ولی در دل از گنااهش پشیمان نباشد خود را مسخره کرده است.

دوم - کسی که جهت انجام وظایف از خداوند طلب توفیق می کند ولی هیچگونه کوشش از خود نشان نمی دهد، خود را مسخره کرده است.

سوم - کسی که از خدا بهشت را می طلبد ولی بر مشکلات شکیبائی ندارد، خود را مسخره کرده است.

چهارم - کسی که از آتش جهنم به خدا پناه می برد ولی شهوات و میلهای فاسد و گمراه کننده را ترک نمی کند خود را مسخره کرده است.

پنجم - کسی که از مرگ یاد می کند ولی خود را برای آن آماده نکرده است خود را مسخره کرده است.

ششم - کسی که یاد خدا می کند ولی مشتاق لقاء او نیست خود را مسخره کرده است.

هفتم - کسی که می خواهد احتیاط کند ولی در وقتش احتیاط پیشه نمی سازد، خود را مسخره کرده است.<sup>۳۰</sup>

۱۲ - مردی به امام نهم حضرت جواد الائمه عرض کرد: مرا اندرزده، فرمود: میبیزی؟ گفت آری فرمود: صبر را بالش و متکای خود قرار ده فقر را در آغوش گیر و شهوت را بدور انداز و با هوای نفس مخالفت کن و بدان که هیچگاه از چشم خدا بدور نیستی او همواره ناظر تو است پس توجه داشته باش که چگونه باید عمل کنی.<sup>۳۱</sup>

۱۳ - امام دهم علی النقی علیه السلام فرمود: کسی که از خدا بترسد دیگران از او خواهند ترسید، و کسی که از خدا اطاعت کند دیگران از او اطاعت خواهند کرد و کسی که از پروردگار اطاعت کند باکی از خشم و کیفر

آفریده‌ها نخواهد داشت و کسی که خدا را بخشم آورد یقین بدانند که به خشم مخلوق گرفتار خواهد شد.<sup>۳۲</sup>

۱۴ - امام حسن عسکری علیه السلام به شیعیانش فرمود: شما را به تقوای الهی و پرهیز در دیانتان و کوشش در راه خدا و راستگویی و امانت پردازی به هر که به شما چیزی سپرده خوب باشد باید و به طول سجود و خوش همسایگی که محمد (ص) بدین روش آمده سفارش می‌کنم، در عشاثر آنان نماز بخوانید و بر سر جنازه آنها حاضر شوید و بیمارهایشان را عیادت کنید و حقوقشان را ادا کنید زیرا هر کس از شما چون در دیانت خود پارسا بود و راست گفت و امانت پرداخت و با مردم خوش رفتاری کرد و گفته شود این یک شیعه است من از آن شادمان می‌شوم، از خدا پرهیزید و مایهٔ زینت باشید نه مایهٔ سرافکنندگی.

هرگونه دوستی را به سوی ما جلب کنید و هر زشتی را از ما بگردانید زیرا هر خوبی که دربارهٔ ما گفته شود ما اهل آنیم و هر بدی که دربارهٔ ما گفته شود ما چنان نیستیم، ما را در کتاب خدا حقی ثابت است و قرابتی که با رسول خدا داریم و خداوند ما را پاک شمرده احدی مدعی این مقام نیست جز دروغگو. بسیار یاد خدا و یاد مرگ باشید و زیاد قرآن بخوانید و صلوات بر پیغمبر فرستید زیرا صلوات بر رسول خدا ده حسنه دارد و آنچه را به شما سفارش کردم حفظ کنید و شما را به خدا می‌سپارم و درود بر شما باد.<sup>۳۳</sup>

۱۵ - امام دوازدهم حضرت مهدی علیه السلام جواب نامه‌ای که وسیلهٔ محمد بن عثمان بن سعید عمری به اسحاق بن یعقوب نوشت ضمن آن چنین مرقوم فرمود: اما ظهور فرج مربوط به خداست و کسانی که وقت آن را تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند، و اما در مورد

حوادث واقعه، رجوع کنید به روایان حدیث ما که آنها حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنها).

اما آنها نیکه با اموال سر و کار دارند اگر آن را بر خود حلال بدانند و بخورند گویا که آتش می‌خورند، و اما خمس برای شیعیان ما بخاطر پاک‌ی ولادت و نژادشان حلال شده می‌توانند از آن تا ظهور امر ما بهره‌مند شوند. اما از علت غیبت ما نرسید که خداوند فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بعضی چیزها نرسید که اگر روشن شود ناراحت می‌شوید».

(مآئه ۱۰۱)

بخصوص که هیچکدام از پدرانم نبودند جز آنکه بیعتی از طاغوت زمانشان به گردن آنها بود و من هنگامیکه خروج کردم بیعت هیچکدام از طاغیت را بگردن نخواهم داشت.

و اما چگونگی بهره‌مندی از من در هنگام غیبت همانند بهره‌مندی از خورشید است هنگامیکه پشت ابر قرار می‌گیرد و من برای اهل زمین مایهٔ امنیتم همانگونه که ستارگان مایهٔ امنیت اهل آسمان می‌باشند.<sup>۳۴</sup>

زیرنویسها:

- ۱ - غرالحکم آمدی ج ۲ ص ۵۰۷
- ۲ - اسرار التوحید ج ۱ ص ۲۶۶
- ۳ - خداوند پند و اندرز خوبی به شما می‌دهد (نساء ۵۷)

- ۴ - بحار ج ۷۷ ص ۱۱۴
- ۵ - نهج البلاغه خطبه ۱۷۵
- ۶ - بحار ج ۷۷ ص ۱۴۷
- ۷ - نهج البلاغه خطبه ۱۸۸
- ۸ - نهج البلاغه خطبه ۱۸۸
- ۹ - بحار ج ۷۸ ص ۳۰۶

۱۰ - دربارهٔ کلمه «عصر» میان مفسرین اختلاف است ولی بعضی از آنها مانند «طنطاوی» معتقدند که: منظور از آن مطلق «زمان» است و خداوند به خاطر پند آموزی آن به آن سوگند خورده است (تفسیر الجواهر ج ۲۶ ص ۲۶۳)

۱۱ - میزان الحکمه ج ۱۰ ص ۵۴۲ و نیز نهج البلاغه حکمت ۲۹۷

۱۲ - بحار ج ۷۸ ص ۸۲

۱۳ - الثَّجَّارِبُ عَلِمُ مُسْتَفَاد (غر الحکم)

۱۴ - نهج البلاغه نامه ۳۱

۱۵ - غرالحکم

۱۶ - سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۳۱۸

۱۷ - به کتابهای از قبیل: بحار ج ۷۷-۷۸ -

روضه الواعظین نیشابوری - اعلام الدین دیلمی - محجة البيضاء فیض - احیاء العلوم غزالی مراجعه شود.

۱۸ - روزنامهٔ کیهان سه‌شنبه ۱۳ تیر ۱۳۶۸ قمری.

۱۹ - شرح منازل السائرین عبدالرزاق کاشانی ص ۱۹.

۲۰ - بحار ج ۷۷ ص ۱۱۱ - خصال شیخ صدوق باب ثلاثة ص ۱۳۱ - چنانکه در کتاب «بسوی جهان ابدی» ص ۴۱۵، توضیح داده‌ایم این حدیث مانند ده‌ها دلائل عقلی و نقلی دیگر نشان می‌دهد که پاداش و کیفر در عالم برزخ و قیامت از راه تجسم عمل است نه قرار دادی و طبیعی

۲۱ - احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۳۴ - کشف القمه ج ۱ ص ۴۸۴ - فاطمه الزهرا من المهدالی اللحدو .....

۲۲ - نهج البلاغه حکمت ۷۹

۲۳ - بحار ج ۷۸ ص ۱۱۲

۲۴ - بحار ج ۷۸ ص ۱۲۶

۲۵ - بحار ج ۷۸ ص ۱۶۰

۲۶ - نظیر این تعبیرات، در گفتار شاعران ما که از خرمن دانش امامانمان علیهم السلام بهره گرفته‌اند چنین آمده است:

حال دنیا را بپریدم من از فرزانه‌ای گفت: یا خوابی است یا شمی است یا افسانه‌ای گفتمش اینها که می‌بینی چسرا دل بسته‌اند؟! گفت: یا خوابند یا مستند یا دیوانه‌ای

۲۷ - بحار ج ۷۸ ص ۱۸۳

۲۸ - بحار ج ۷۸ ص ۲۶۱

۲۹ - بحار ج ۷۸ ص ۳۲۱

۳۰ - کنز الفوائد کراچکی ص ۱۵۲ و مجموعهٔ ورام ص ۳۲۲

۳۱ - بحار ج ۷۸ ص ۳۵۸

۳۲ - تحف العقول ص ۵۱۰

۳۳ - تحف العقول ص ۵۱۸ و بحار ج ۷۸ ص ۲۷۳

۳۴ - بحار ج ۷۸ ص ۳۸۰